

الگوی جامع ولایت‌پذیری از منظر امام علی علیه السلام

بر مبنای تحلیل محتوای خطبه قاصعه

فتحیه فتاحی زاده* / محمد عترت دوست** / صدیقه کاشفی***

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

چکیده:

«ولایت» از ارکان اصلی و آموزه‌های اساسی دین اسلام و از مباحث مهم قرآنی و محوری‌ترین مسئله در مکتب اهل بیت علیهم السلام است؛ که به معنای پذیرفتن رهبری پیشوایان الهی و اعتقاد به ولایت امامان معصوم علیهم السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی خداوند بر مردم می‌باشد. نظام سیاسی اسلام و شیوه حکومتی دین بر پایه ولایت است و ملاک مسلمانی پس از اطاعت از رسول خدا، ولایت‌پذیری است. اهمیت این مسئله بدان حد است که اهل بیت علیهم السلام در کلمات نورانی خود به دفعات جایگاه و ضرورت آن را مطرح کرده و تلاش نموده‌اند تا تبیینی قابل قبول از آن ارائه نمایند. در این پژوهش تلاش شده با استفاده از روش «تحلیل محتوا» به مثابه یک روش تحقیق میان‌رشته‌ای متن محور، مهم‌ترین و طولانی‌ترین خطبه امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، یعنی خطبه قاصعه، مورد تجزیه و تحلیل کمی و کیفی قرار گرفته و نوع نگاه آن حضرت به مقوله ولایت را تبیین نموده و در پایان الگوی جامع ولایت‌پذیری از منظر ایشان را ترسیم نمائیم. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه قاصعه مراتب ولایت‌پذیری را در دوگونه پذیرش ولایت پیامبران الهی از جمله پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و پذیرش ولایت اولیای الهی از جمله خودشان ترسیم نموده و به تفصیل مهم‌ترین ویژگی‌های ولی و نتایج ولایت‌پذیری را نیز توضیح داده‌اند. بی‌شک توجه به این الگو می‌تواند کمک شایانی به پذیرش هرچه بهتر این اصل مهم در دین اسلام باشد.

کلید واژگان:

اهل بیت علیهم السلام، امام علی علیه السلام، ولایت‌پذیری، ابرار، خطبه قاصعه، روش تحلیل محتوا

*. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء علیها السلام، تهران، ایران.

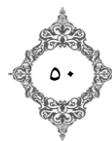
f_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

** دانشیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Etratdoost@sru.ac.ir

*** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء علیها السلام، تهران، ایران.

Skashefi255@gmail.com



۱. مقدمه

رهبری و ولایت در مکتب اسلام از چنان جایگاه والایی برخوردار است که بزرگان و علمای اسلام از آن به‌عنوان رکن و اساس توحید و دژ مستحکم الهی یاد کرده‌اند. قرآن کریم در عین اینکه ولایت را کاملاً از آن خدا و منحصر در او می‌داند: (فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ) (الشوری: ۹)، آن را برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نیز اثبات کرده است: (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) (المائده: ۵۵).

علاوه بر نصوص قرآنی، روایات متعددی بیان شده که دین اسلام بر پنج پایه استوار است و از میان آنها، ولایت مهم‌ترین رکن می‌باشد: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَبْدَأْ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۸). بر این اساس بشر، برای گام نهادن در طریق عبودیت و پیشرفت معنوی و رسیدن به سعادت و کمال انسانی که مهم‌ترین هدف خلقت انسان است، همواره محتاج راهنمایی بوده؛ تا صراط مستقیم را بشناسد و در عقبه‌های سیر کمالی راه را گم نکند.

ائمه اطهار علیهم السلام خود به‌عنوان والیان و راهنمایان و هادیان مسیر حق تلاش کرده‌اند تا در کلمات نورانی و گهربار خود پیرامون این موضوع صحبت کرده و جایگاه و اهمیت و آثار توجه به این موضوع و پذیرش آن و نیز عواقب بی‌توجهی به این اصل مهم و اساسی را بیان نمایند. بی‌شک اگر بتوانیم با تجزیه و تحلیل کلمات معصومین علیهم السلام پیرامون موضوع ولایت، به تصویر جامع و کاملی از این مقوله مهم دست پیدا کنیم، پذیرش و ایمان به آن برای مسلمانان سهل‌تر خواهد بود. اگرچه این مهم نیازمند بررسی همه کلمات ایشان و تطبیق آن با قرآن کریم است، ولیکن در عین حال می‌توان با استفاده از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای متن محور، بخش مشخصی از کلمات آن حضرات را تجزیه و تحلیل نموده و حداقل به یک نگاه اجمالی از موضوع دست پیدا کرد.

۱-۱. بیان مسئله

در این مقاله پژوهشی تلاش شده با استفاده از روش تحلیل محتوا به‌مثابه یک روش تحقیق میان‌رشته‌ای و متن محور که می‌تواند پیام‌های آشکار و مضامین پنهان متن را کشف و دسته‌بندی کرده و در نهایت الگوی جامعی از محتوای متن ارائه دهد، به مطالعه عمیق و تخصصی خطبه قاصعه



امام علی علیه السلام پرداخته و از رهگذر تجزیه و تحلیل مفاهیم این خطبه، به تصویر جامعی از مقوله ولایت‌پذیری دست پیدا کنیم. به همین منظور سؤالات اصلی این تحقیق آن است که امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه چه تعریفی از «ولایت» ارائه کرده؟ چه نقشی برای موضوع «ولایت» در دین اسلام قائل بوده؟ چه ویژگی‌هایی را برای «ولی» صالح و شایسته جامعه اسلامی معرفی کرده؟ و در نهایت چه نتایج و ثمراتی را برای پذیرش این اصل مهم بیان کرده‌اند؟

۲-۱. پیشینه پژوهش

خطبه قاصعه، طولانی‌ترین خطبه منقول از امام علی علیه السلام می‌باشد که به موضوعات متعددی مانند پرهیز از اطاعت شیطان (ر.ک: راوندی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۲۲۷)، پرهیز از کبر و غرور (ر.ک: ابن ابی الحدید، ۱۴۲۱، ج ۱۳: ۱۰۱)، دعوت به مطالعه تاریخ و عبرت گرفتن از آن (ر.ک: خوئی، ۱۳۵۸، ج ۱۱: ۲۶۶)، ایمان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر اولیای الهی و ابرار می‌پردازد که شروح مفصلی بر آن نگاشته شده است، اما بررسی این خطبه با استفاده از روش تحلیل محتوا نشان می‌دهد که گویا امام علیه السلام به دنبال هدفی دیگر بوده و قصد داشته‌اند با معرفی مصادیق متعدد رهبران خیر و شر و تبیین نتایج تاریخی پذیرش ولایت و زعامت ایشان، مخاطبان خود را متوجه اهمیت مسئله ولایت‌پذیری کرده و در نهایت آنان را به این اصل مهم و بنیادین و پذیرش ولایت خود که در راستای پذیرش ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر انبیای الهی و عدم پذیرش ولایت طاغوت و شیطان است، دعوت کنند.

۳-۱. ضرورت و اهمیت پژوهش

بر این اساس وجه نوآوری و تمایز مقاله حاضر نسبت به دیگر پژوهش‌ها این است که تلاش کرده: اولاً با استفاده از یک روش تحقیق میان‌رشته‌ای فقط به مطالعه متن و نص اصلی خطبه پرداخته و گزارشی دقیق از موضوعات اصلی و فرعی خطبه و سنجش فراوانی آنها ارائه کند. ثانیاً با نگاهی مسئله محور فقط به یکی از موضوعات مهم خطبه با عنوان «ولایت‌پذیری» توجه نموده و تلاش کرده ماهیت، جایگاه و ویژگی‌های ولایت را در قالب ساختاری نظام‌مند تبیین نماید. ثالثاً تلاش شده در پایان با ارائه نمودار، الگوی جامع مؤلفه‌های ولایت‌پذیری از منظر امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه



ترسیم شود. بی‌شک توجه به این الگو و مبنا قرار دادن آن در مطالعات دینی و اعتقادی می‌تواند نقش تأثیرگذاری در بهره‌مندی بیشتر مسلمانان از این اصل ارزشمند و اعتقادی جهت پیمودن مسیر عبودیت و دستیابی به کمال داشته باشد.

۲. بحث

از آنجا که برای تحلیل نصوص دینی به روش‌های تحقیق متن محوری نیاز است که بتواند تمامی جوانب متن و فرامتن را سنجیده و لایه‌های عمیق مضمونی متن را شناسایی کند، لذا در این پژوهش از روش تحلیل محتوا استفاده شده تا پس از استخراج مضامین اصلی و فرعی، بتوان ابتدا ساختار کلی خطبه را ترسیم کرده و در نهایت الگویی که از کلام حضرت قابل استفاده است را به تصویر کشید. روش تحلیل محتوا، یکی از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای جهت تبیین اندیشه‌های بیان شده در یک متن است. در این روش با بهره‌گیری از قواعد علمی منتظم و قابل تعمیم، نتایج دقیقی از تجزیه متن و مؤلفه‌های آن دریافت می‌شود. در حقیقت هدف این روش، گویاسازی و استخراج کامل مفاهیم و پیام‌های پنهان در متن است. «تحلیل محتوا در حقیقت فن پژوهش عینی، اصولی و کمی و به‌منظور تفسیر و تحلیل محتواست و تفکر بنیادی تحلیل محتوا عبارت است از شناسایی اجزای یک متن (کلمات، جملات، بندها و مانند آن، برحسب واحدهایی که انتخاب می‌شوند) و تعیین جایگاه و رتبه آنها در نظام مقوله‌ها» (باردن، ۱۳۷۵: ۲۹). در این روش از تکنیک‌های مختلفی استفاده می‌شود که در رشته‌های مختلف علمی و متناسب با موضوع پژوهش، مورد استفاده قرار می‌گیرند (برای آگاهی از روش ر.ک: عترت دوست، ۱۳۹۸: ۲۹۱-۳۲۰).

۱-۲. تحلیل محتوای خطبه قاصعه امام علی علیه السلام

اولین مرحله عملی در پیمایش روش تحلیل محتوا برای فهم و تحلیل دقیق متن، ترسیم جدول به‌منظور تجزیه متن به قطعات کوچک‌تر و استخراج کلید واژگان، موضوعات اصلی و موضوعات فرعی هر قطعه از متن است. سپس بر مبنای این جداول، ادامه‌ی فرایند روش تحلیل محتوا، که سنجش فراوانی موضوعات اصلی و فرعی هر متن است ادامه می‌یابد تا به شناسایی مهم‌ترین آن‌ها به‌منظور دستیابی به پیام اصلی خطبه نائل شویم.



لازم به ذکر است در این پژوهش، محور تحلیل، متن خطبه‌ی قاصعه است؛ که بر اساس نسخه‌ی منهج البراعه‌ی «حبيب‌الله خوئی» استخراج‌شده (خوبی، ۱۳۵۸، ج ۱۱). در این جدول، عبارات خطبه بر اساس پیام اصلی هر جمله، تقطیع شده و مضامین اصلی و فرعی آن استخراج گردیده و درنهایت کدگذاری شده‌اند. این جدول به شکلی کدگذاری شده است که در تحلیل کیفی با نگاهی اجمالی به کدهای شناسه می‌توان به سند و منبع و علت آن تحلیل دست‌یافت. (به جهت محدودیت حجم مقاله، نمونه جدول تحلیل محتوای خطبه قاصعه در فایل پیوست آمده است).

در جدول اصلی، متن اصلی خطبه به ۸۵ جمله تقطیع شده و تعداد ۸۵ موضوع اصلی و ۴۰۵ موضوع فرعی از مضامین آن استخراج شده است. در این فرایند مضامین هر یک از قطعات متن به دقت مورد بررسی قرار گرفته و درنهایت بیشترین و کمترین موضوعات اصلی شناسایی شده است. (ر.ک: کاشفی، ۱۳۹۷، ش ۱).

در گام اول اجرای روش تحلیل محتوا، واژگان کلیدی استخراج‌شده مورد توجه قرار گرفت و پس از یکسان‌سازی و شمارش، این نتیجه حاصل گردید که، پرسامدترین واژه در این خطبه «تکبر» است. در گام دوم با توجه به اطلاعات آماری حاصل از جدول، پرکاربردترین موضوع اصلی در این خطبه شناسایی شد که موضوع «شیطان» است. اما فرایند تحلیل کیفی دیگر موضوعات خطبه نشان می‌دهد که علت اصلی تأکید بر شیطان، تأکید بر یکی از مهم‌ترین مصادیق ائمه کفر و طاغوت بوده و مضمون پنهانی و عمیق خطبه، تأکید بر اصل موضوع ولایت و معرفی مصادیق خیر و شر آن است. به همین دلیل در بخش تحلیل کیفی تلاش گردیده است تا مقوله ولایت‌پذیری با توجه به نتایج حاصل از بررسی تمامی موضوعات مطرح در خطبه، تبیین و ترسیم شود.

۱-۲. تحلیل محتوای مقوله «ولایت» در خطبه قاصعه امام علی علیه السلام

منظور از تحلیل محتوای کیفی، تکنیکی برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متن، از طریق کدگذاری‌های طبقه‌بندی‌شده، به صورت سیستماتیک است؛ که برای بررسی لایه‌های عمیق‌تر از متن، اتخاذ می‌شود و منجر به نظریه‌پردازی شود (عزتی، ۱۳۷۶، ش ۸۵). از آن‌جا که هرگونه استنباط از موضوعات یک متن منوط به گزارش‌های تحلیل کمی است، لذا با توجه به نتایج حاصل از آن، مسیر ورود به سمت تحلیل کیفی فراهم می‌شود (عزتی، ۱۳۹۷، ش ۵).



حضرت علی علیه السلام در خطبه قاصعه با توجه به اهمیت معرفی مصادیق برای تبیین بهتر موضوعات مهم، در موارد مختلف تلاش کرده‌اند تا شیطان را به‌عنوان مصداق بارز کبر و غرور معرفی نموده و همگان را از اطاعت او برحذر دارند؛ و در مقابل از برخی مصادیق رهبران نیک و صالح مانند پیامبران الهی علیهم السلام و از میان آنان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و از شاگردان و تربیت یافتگان خاص پیامبر صلی الله علیه و آله که برای همگان شناخته شده بوده و به‌خوبی می‌شناختند؛ به خودشان اشاره نموده و مخاطبان را به پذیرش ولایت ابرار و فرمان‌بری از نیکوکاران، خاصه مصادیق تواضع و فروتنی معرفی شده در خطبه دعوت نمایند.

مجموع آنچه امام علی علیه السلام در این خطبه پیرامون ولایت‌پذیری بیان کرده‌اند را می‌شود در سه طبقه کلی جای داد که هرکدام زیرشاخه‌های متعلق به خود را دارند و در ادامه مقاله به تفصیل بیان شده‌اند. پیش از شروع مبحث لازم به ذکر است که تمامی مطالب این مقاله مستند به کلمات حضرت علی علیه السلام و مضامین برداشت شده از محتوای خطبه قاصعه بوده که استنادات آن به‌صورت حروف انگلیسی کدگذاری شده ذکر شده است.

۲-۲. توصیه به پذیرش ولایت پیامبران الهی علیهم السلام

امام علیه السلام در خطبه قاصعه با توصیه به عبرت‌آموزی از پیشینیان؛ یکی از رموز مهم در پیروزی مؤمنان را اطاعت از انبیاء زمان خود و پذیرش ولایت و سرپرستی ایشان بیان نموده و همگان را به عبرت‌آموزی از شکست مخالفان و معاندان پیامبران الهی به دلیل عدم پذیرش ولایت ایشان توصیه نموده‌اند (A۲۳۴، A۱۰۳، A۹۱).

نکته مهمی که در ضمن توصیه به پذیرش ولایت پیامبران الهی در کلام امام علی علیه السلام بیان شده، توجه به تقابل جریان حق‌گرای پیامبران با باطل‌گرای شیاطین است. حضرت علیه السلام اشاره می‌کنند که پذیرش ولایت پیامبران یعنی دوری از شیاطین و طاغوت و همان‌طور که شیطان، قدرت زیادی در گمراهی افراد دارد و حتی پیامبران و خانواده‌های آن‌ها را نیز می‌توانند گمراه کنند، پیامبران نیز قدرت زیادی در هدایت افراد دارند (A۱۴۷، A۱۵۰). همان‌گونه که شیاطین به سلاح‌های مختلفی مجهز



هستند، پیامبران الهی نیز به سلاح‌های مختلفی همانند تقوا، تواضع، اخلاق خوب، رحمت الهی و عزم و اراده نیرومند مجهز بوده و به واسطه آنها می‌توانند انسان‌ها را هدایت کنند (A۲۲۰). حضرت علی علیه السلام در خطبه قاصعه به عموم پیامبر الهی به‌ویژه فرزندان حضرت اسماعیل، اسحاق و یعقوب علیه السلام، توجه ویژه داشته و برخی از صفات و ویژگی‌های ایشان که در قرآن کریم نیز بدان‌ها اشاره شده است را بیان می‌کنند، مانند: (صَابِرٍ) (الانبیاء: ۸۵)، (أَخِيَارٍ) (ص: ۴۸)، (صَادِقِ الْوَعْدِ) و (رَسُولاً نَبِيًّا) (مریم: ۵۴)، (فَضَّلْنَا عَلَيَّ الْعَالَمِينَ) (الانعام: ۸۶) (A۲۱۸).

۲-۱-۲. معرفی مهم‌ترین ویژگی‌های پیامبران الهی

نکته مهم در این بخش، ویژگی‌هایی است که حضرت علی علیه السلام برای پیامبران الهی علیه السلام بیان کرده و ایشان را به دلیل برخورداری از این صفات، شایسته‌ی اطاعت دانسته‌اند. این ویژگی‌ها به ترتیب فراوانی و تکرار بیشتر عبارتند از:

۲-۱-۲-۱. تواضع و فروتنی

از منظر امام علی علیه السلام، مهم‌ترین ویژگی انبیاء الهی، تواضع آنان است و از آن‌جا که صاحبان خرد هستند، خدا را مافوق همه‌ی قدرت‌ها دانسته و خداوند نیز آن‌ها را در پرتو همین تواضع، بزرگی بخشیده و آن‌ها را نمونه‌ی انسان کامل قرار داده است. به‌گونه‌ای که به‌گواه تاریخ، این تواضع در همه‌ی اعمال و رفتار آنان موج می‌زند (A۱۲۷، A۱۲۶). انبیاء الهی که به‌عنوان اسوه‌های فروتنی، همواره خود را در برابر شیطان محافظت کرده و با تسلیم در برابر فرامین الهی و مسلح شدن به سلاح تواضع، نماز، روزه و صبر و... هرگز راه نفوذ شیطان را به روی خود نگشودند و خود را از همه‌ی عوامل کبر آفرین دور داشته‌اند (R۳۴، R۲۷). حضرت علی علیه السلام با عبارات «فَالصَّاقُوا بِالْأَرْضِ خُدُودَهُمْ وَ عَمَرُوا فِي التَّرَابِ وُجُوهُهُمْ وَ حَفَّضُوا أَعْنَاقَهُمْ لِلْمُؤْمِنِينَ» (R۲۷) این صفت انبیاء را به زیبایی به تصویر کشیده است؛ که هر سه عبارت کنایه از تواضع پیامبران و اولیای الهی است.

۲-۱-۲-۲. ساده زیستی و قناعت

ویژگی دیگر پیامبران الهی، ساده زیستی، قناعت و ظاهر ساده‌ی آنان است. پیامبران الهی در میان طبقه‌ی محروم جامعه بوده و زندگی همراه با قناعت و به دور از زرق و برق دنیایی داشتند (A۱۳۰). در اوج فقر، چشم و قلبی آکنده از قناعت داشتند؛ زیرا آن‌چه که بیش از هر چیز دیگر، انسان



تهیدست را آزار می‌دهد، فشارهایی است که از جانب چشم و قلب، او را درگیر می‌کند؛ زیرا آنچه می‌بیند را خواهان است و به داشته‌های دیگران می‌اندیشد، حال آن‌که با پرکردن چشم و قلب خود، با ثروت قناعت، هرگز احساس کمبود نمی‌کند و همین تهیدستی، عامل رشد آنها می‌گردد: «تَمَلَّأَ الْعَيُونَ وَالْقُلُوبَ» (A۱۵۳). در این عبارت، حضرت علی عليه السلام چشم و قلب را عهده‌دار مسئولیت قناعت دانسته‌اند، بدین صورت که «چشم» به نمایندگی از حواس ظاهری و «قلب» را به نمایندگی از ادراک‌های باطنی ذکر کرده است (A۱۵۴).

۳-۲-۱-۲. برخورداری از عزم و اراده نیرومند

امام علی عليه السلام معتقدند که خداوند متعال، پیامبران الهی را از نظر قدرت تصمیم‌گیری، افرادی قوی و پولادین قرار داده است: «أُولَى قُوَّةٍ فِي عَزَائِمِهِمْ» (A۱۵۱). این عبارت حضرت علی عليه السلام، بیانگر ارادی بودن افعال پیامبران الهی و برتری آن‌ها نسبت به بندگان دیگر است. آن حضرت عليه السلام معتقدند قدرت و عزت انبیاء در همه‌ی کارهایشان تجلی دارد و باعث می‌شود افراد دیگر به سوی ایشان متمایل شوند (A۱۵۵).

۲-۲-۱-۴. برخورداری از معجزات الهی

ویژگی دیگری که امام علی عليه السلام در خطبه قاصعه برای پیامبران بیان نموده است، قدرت فوق‌العاده آنان برای تسخیر عالم و ارائه معجزات الهی است. آن حضرت با اشاره به برخی از این معجزات مانند: زنده کردن مردگان، صحبت با حیوانات و موارد دیگر، به‌طور ویژه به معجزه‌ی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در صحبت کردن با درخت پرداخته و این اقدام را قدرت فوق‌العاده ایشان در تسخیر جهان هستی معرفی نموده است (A۲۸۰). عبارت «تَمْتَدُ نَحْوَهُ أَعْنَاقُ الرِّجَالِ» کنایه از عظمت قدرت پیامبران است؛ به‌گونه‌ای که دیگران از شکوه این قدرت گردن‌های خود را به سوی آن خیره می‌کنند (R۳۵).

۳-۲. توصیه به پذیرش ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

دومین موضوعی که ذیل مقوله «ولایت» در خطبه قاصعه بیان شده است، توصیه به پذیرش ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. اگرچه آن حضرت ابتدا به همه پیامبران الهی اشاره کرده و همگان را به



پذیرش ولایت ایشان دعوت می‌کنند، اما در ادامه کلام خود به‌طور ویژه مخاطبان خود را به‌عنوان مسلمانان و انسان‌های آخرالزمان به پذیرش ولایت آخرین پیامبر ﷺ و فرستاده الهی دعوت کرده و پذیرش ولایت ایشان را لازمه‌ی دستیابی به سعادت ابدی معرفی می‌کنند. حضرت علی علیه السلام در ضمن توصیه به پذیرش ولایت پیامبر اکرم ﷺ به دو موضوع دیگر نیز پرداخته‌اند: الف) ویژگی‌های پیامبر اکرم ﷺ، ب) آثار پذیرش ولایت پیامبر اکرم ﷺ که در ادامه به تفصیل بیان خواهد شد:

۱-۳-۲. معرفی مهم‌ترین ویژگی‌های پیامبر اکرم ﷺ

امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه، برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های پیامبر اکرم ﷺ را بیان کرده‌اند که به ترتیب فراوانی و تکرار عبارتند از:

۱-۳-۲-۱. برخورداری از تربیت الهی

پیامبر ﷺ، تربیت‌یافته‌ی خداوند است و خدای متعال جایگاه ویژه‌ای برای ایشان قائل است (R۶۷) و از میان فرشتگان، فرشته‌ای را انتخاب کرده که همواره متوجه او بوده و او را تربیت کند و راه‌های بزرگی و اخلاق نیکو را به او بیاموزد (A۲۶۴). خداوند تربیت پیامبر ﷺ را در اولویت قرار داده و لحظه‌ای او را رها نکرده؛ تا جایی که همه‌ی ساعات شبانه‌روز او را تحت تربیت خود قرار داده است (A۲۶۶) چون امور تربیتی، تنها به زمان بیداری اختصاص نمی‌یابد، بلکه شب را هم دربر گرفته و مقام محمود از دل همین تربیت شبانه برای ایشان حاصل شده است (A۲۶۵).

۱-۳-۲-۲. برخورداری از مکارم اخلاقی

پیامبر ﷺ که خود تربیت‌یافته‌ی پروردگار است؛ تحت آموزه‌های الهی، تربیت دیگر انسان‌ها به‌ویژه امام علی علیه السلام را برعهده گرفته و آنچه از خداوند متعال آموخته است را به مردم منتقل کرده است (A۲۸۲، A۲۷۵). پیامبر ﷺ همچون پدری مهربان، همواره دیگران و به‌ویژه امام علی علیه السلام را مورد توجه قرار می‌داد (A۲۶۰) و از آن‌جا که پیامبر ﷺ خود عامل به مکارم و اخلاق پسندیده بود، رفتار و گفتار ایشان تأثیر بسیاری بر مردم داشته است (A۲۶۷). در نتیجه امام علی علیه السلام نیز



در همه‌ی مراحل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را تصدیق نموده و از ایشان حمایت کرده (A۲۹۱) و ولایت ایشان را پذیرفته است (A۲۷۰).

حضرت علی علیه السلام با بیان عبارت «يُرْفَعُ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ أَخْلَاقِهِ عِلْمًا» به این نکته اشاره می‌کند که اخلاق برجسته رسول خدا صلی الله علیه و آله همانند علم و پرچمی بود که دیگران با پیروی از آن، راه سعادت و نجات را می‌یافتند (R۶۹).

۱-۳-۲-۳. تواضع و فروتنی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پرتو برخورداری از تربیت الهی و مکارم اخلاقی، بسیار در برابر خداوند متعال و همچنین دیگران، فروتن بوده و نسبت به مسلمانان تواضع نشان می‌داد. تواضع و فروتنی ایشان در برابر خداوند از این جمله امام علی علیه السلام به‌خوبی استنباط می‌شود که می‌فرماید: آن حضرت صلی الله علیه و آله سخنرانی‌های خود را با عبارت «إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» شروع می‌کردند که به‌خوبی گویای تواضع و فروتنی ایشان در برابر خداوند متعال است (R۷۴).

تواضع و فروتنی ایشان در برابر مردم از معجزه آن حضرت صلی الله علیه و آله برای صحبت کردن با درخت (A۲۷۹) و نیز احترامی که به درخواست‌های مشرکان قریش می‌گذاشتند و کلام آنها را تا پایان می‌شنیدند (A۲۷۷)، به‌خوبی قابل برداشت است.

آن حضرت صلی الله علیه و آله اگرچه قدرت انجام هر کاری را از جانب خداوند متعال داشتند، ولیکن در برابر فشارها و سختی‌های مشرکان، صبر و استقامت پیشه کرده (A۲۸۰، A۲۸۲) و درنهایت به دلیل تواضع و فروتنی و اخلاق کریمانه خود، به سروری جهانیان دست‌یافتند (P۵).

۳-۲-۲. آثار پذیرش ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

حضرت علی علیه السلام در خطبه قاصعه می‌فرماید که: «خداوند به آدمی، نعمت‌های فراوانی ارزانی داشته که همه از فضل الهی بوده است. با رعایت تقوای الهی می‌توان از این نعمت‌ها کمال بهره‌مندی را داشت و بدون تقوا، کثرت نعمت‌ها باعث ایجاد تکبر و تفاخر شده و راه نفوذ شیطان می‌شوند، و درنهایت از آن نعمت، جز خسران، نتیجه‌ای دریافت نمی‌شود» (A۹۸، A۱۰۰).



آن حضرت علیه السلام سپس در ادامه به یکی از بزرگ‌ترین نعمات الهی یعنی بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره کرده و می‌فرماید: «خداوند، پس از دوران فترت، که جهانیان در نادانی و کژی فرورفته بودند، بر مردم منت نهاد (ر.ک: آل عمران: ۱۶۴) و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را برانگیخت تا بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده‌ی جهانیان باشد (ر.ک: سباء: ۲۸) و آیات پروردگار را بر آنان تلاوت نماید و کتاب و حکمت بیاموزد و آنان را از گمراهی بیرون آورد» (ر.ک: الجمعة: ۲).

۳-۲-۲-۱. بهره‌مندی از رحمت الهی

آن حضرت در ادامه با آوردن عباراتی خاص، به زیبایی آثار و برکات وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به تصویر کشیده‌اند. به‌عنوان نمونه با عبارت «نَشَرَتِ النِّعْمَةَ عَلَيْهِمْ جَنَاحَ كَرَامَتِهَا فَأَصْبَحُوا فِي نِعْمَتِهَا غَرَقِينَ وَ أَسَأَلَتْ لَهُمْ جَدَاوِلَ نَعِيمِهَا وَ تَعَطَّفَتِ الْأُمُورُ عَلَيْهِمْ فِي ذُرَى مُلْكٍ ثَابِتٍ لَا تُغْمَرُ لَهُمْ فَنَاءٌ، وَ لَا تُقْرَعُ لَهُمْ صَفَاءٌ» (R۵۷) به‌صورت استعاری، به گستردگی نعمت وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بهره‌مندی عموم مردم از وجود این نعمت با برکت که همچون رودخانه‌ای خروشان همه را دربر گرفته و کمال رفاه و سرسبزی را در جامعه اسلامی ایجاد کرده و فقر و نادانی و جهالت را زائل کرده است، اشاره کرده و در نهایت باعث رشد و ارتقاء درخت تنومند دین اسلام شده است (ر.ک: خوئی، ۱۳۵۸، ش، ج ۱: ۴۰۱).

۳-۲-۲-۲. ایجاد وحدت در جامعه

نتیجه دیگری که آن حضرت علیه السلام برای بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان کرده‌اند، ایجاد وحدت و انس و الفت در میان امت اسلامی است، به‌گونه‌ای که دیگر هیچ تفاوتی میان انسان‌های سفید و سیاه، آزاد و برده و فقیر و غنی وجود نداشت و تنها معیار برتری و فضیلت، تقوا بوده است. به همین دلیل آن حضرت علیه السلام به امت اسلامی توصیه می‌کنند که نعمت پذیرش ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را حفظ کرده و بدان معتقد باشند تا با ایجاد وحدت و همدلی به سعادت دنیا و آخرت برسند. عبارت‌های حضرت علی علیه السلام برای این بخش «حَبْلِ هَذِهِ الْأَلْفَةِ» (R۵۹) و «حَبْلِ الطَّاعَةِ» و «حِصْنِ اللَّهِ» (R۵۸) است که هر دو اضافه تشبیهی بوده و به‌خوبی اهمیت این اثر و نتیجه را نشان می‌دهد.



۳-۲-۲-۳. نزول قرآن کریم

نعمت دیگری که از منظر حضرت علی علیه السلام به واسطه وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نصیب مردم شده است، نعمت قرآن کریم می‌باشد. آن حضرت علیه السلام، قرآن کریم را کتابی سرشار از توصیه به تزکیه و علم‌آموزی و حکمت دانسته که همه عوامل مقابله با جهل را بیان کرده است (۲۲۷). ایشان در خطبه قاصعه می‌فرمایند که: «در صورت عمل به فرامین قرآن، از جهالت دور شده و در پرتو بهره‌مندی از نعمت قرآن، به کمال و سعادت رهنمون می‌شوید (۲۳۳).

همچنین آن حضرت علیه السلام با استناد به آیات قرآن کریم که ائمه اطهار علیهم السلام را یکی از مصادیق نعمت معرفی کرده، می‌فرمایند که شکر این نعمت با پذیرش ولایت ایشان است (۹۹، ۹۸) و در صورت عدم پذیرش ولایت این نعمت بزرگ، کفران نعمت کرده و مستوجب عذاب الهی خواهید شد (۲۰۲، ۱۰۱). پذیرش ولایت ائمه اطهار علیهم السلام و بهره‌مندی از این نعمت بزرگ الهی، حکومت اسلامی را جهانی و ماندگار خواهد کرد، اما عدم پذیرش ولایت آنان باعث فزونی جهل و تکبر می‌گردد (۲۳۲).

۲-۴. توصیه به پذیرش ولایت اولیای الهی و ابرار

حضرت علی علیه السلام در خطبه قاصعه سعی بر معرفی مصادیق خیر و شر در روزگاران گذشته و پیش رو را دارد. ایشان با معرفی مصادیق نیکوکاری در زمان‌های پیش از ایراد خطبه، پیامبران را نماد تواضع و شایسته فرمانروایی در زمین می‌داند و از میان آن‌ها پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را، سرآمد همه‌ی آن‌ها دانسته و همگان را دعوت به اطاعت از او می‌نماید و بر شخص مورد تأیید برای وزارت او به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله استناد می‌نماید.

در این خطبه، از مصادیق نیکوکاران، پیامبران پیشین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام ذکر شده است؛ که با توجه به اطلاعات آماری حاصل از جدول تحلیل محتوای خطبه مشخص گردید، که حضرت به فراخور زمان، بیش از همه بر شناساندن شخص خود به‌عنوان کسی که در آن عصر شایستگی فرمانروایی دارد، تلاش کرده و با دعوت به اطاعت از خود، همگان را به فرار گرفتن در مسیر سعادت سوق می‌دهند.



ایشان برای معرفی خود به دو منبع بالرزش و موردقبول همگان یعنی قرآن و سنت، استناد کرده است؛ قرآن که سخن پروردگار است و سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله که هر دو موردپذیرش عموم مردم بوده است. سپس با یادآوری این مطلب، که خود از راستگویان است و مردم آن عصر بر صداقت او یقین داشتند؛ ویژگی‌های خود را ذکر کرده و تلاش می‌نماید، خود را به همگان بشناساند و مردم را از قرار گرفتن در مسیر بندگی غیرخدا و هلاکت برحذر دارند. آنچه در این بخش بیش از همه قابل توجه است، توجه به ویژگی‌هایی است که آن حضرت برای اولیاء الهی و ابرار بیان کرده و به دلیل برخوردار بودن از آن ویژگی‌ها، آنان را مستوجب ولایت و اطاعت دانسته است.

آن حضرت در این خطبه ضمن بیان این جمله که «الطَّاعَةِ لِلَّيْرِ وَالْمَخْصِيَةِ لِلْكَبِيرِ» (R۴۹) به پذیرش ولایت ابرار توصیه نموده و در ادامه با استناد به آیه (البقره: ۱۷۷) ابرار را معرفی نموده است. به عبارتی آن حضرت صلی الله علیه و آله بر وجود ویژگی‌های ذیل در ابرار و نیکوکاران تأکید داشته و افراد صاحب این ویژگی‌ها را شایسته اطاعت و ولایت‌پذیری دانسته است:

مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ (توحید)

وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ (معاد)

وَ الْمَلَائِكَةِ (ایمان به فرشتگان)

وَ الْكِتَابِ (ایمان به قرآن)

وَ النَّبِيِّنَ (نبوت)

وَ آتَى أَمْالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ

(پذیرش احکام شرعی / انفاق مستحب)

وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ (انجام عبادات/ اقامه نماز)

وَ آتَى الزَّكَاةَ (انجام عبادات/ انفاق واجب)

وَ الْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا (رعایت مکارم اخلاق/ وفای به عهد)

۱۰- وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبُؤْسِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبُؤْسِ (رعایت مکارم اخلاق/ صبر)

۱۱- أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا (رعایت مکارم اخلاق/ راستگویی)

۱۲- وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (رعایت مکارم اخلاق/ تقوا)



در این آیه خداوند متعال به تعریف ابرار و بیان حال ایشان پرداخته و در مرتبه‌های اعتقادی، عملی و اخلاقی آن‌ها را توصیف می‌کند (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱: ۶۵۰). امام علی علیه السلام نیز با استناد به این آیه، ویژگی‌های ذیل را برای ابرار بیان کرده‌اند:

الف) در بخش اعتقادی، ایمان به توحید، معاد، نبوت و نیز ایمان به ملائکه الهی و قرآن کریم از جمله مهم‌ترین ارکان و ویژگی‌هایی هستند که ابرار می‌بایست از آن برخوردار باشند. می‌دانیم که ایمان به هر کدام از این موارد، سرمنشأ ایمان به دیگر امور مانند قیامت، دیگر انبیاء الهی، کتب آسمانی، عدالت و امامت نیز بوده و در حقیقت ایمان به حقایق را شامل می‌شود. این موارد شامل تمامی معارف حقه‌ای است که خدای سبحان ایمان به آن‌ها را از بندگان خواسته و مراد، ایمان کامل است که اثرش هرگز از آن جدا نمی‌شود.

ب) در بخش عملی نیز بر دو موضوع پذیرش احکام شرعی مستحب و انجام عبادات واجب تأکید شده است تا نشان دهد یکی دیگر از ویژگی‌های ابرار آن است که همه احکام شرعی و عبادات واجب و مستحب خود را انجام داده و از امور حرام و مکروه دوری می‌کنند. بدیهی است که توجه به هر کدام از عبادات و احکام شرعی، انسان را از پرداختن به امور حرام و مکروه دور می‌کند. نکته جالب اینجاست که خداوند متعال در این بخش به دو مورد از مهم‌ترین احکام شرعی یعنی نماز و زکات اشاره کرده که اولی، رابطه با خالق و دومی رابطه با مخلوق را به خوبی ترسیم می‌کند بدین معنا که ابرار کسانی هستند که به گونه‌ای متعادل رابطه خود را با خالق جهان هستی و دیگر انسان‌ها تنظیم کرده‌اند.

ج) در بخش اخلاقی نیز به چهار مورد از مهم‌ترین مکارم اخلاقی مانند: وفای به عهد، صبر در برابر مشکلات و گرفتاری‌ها، راستگویی و صداقت و نیز رعایت تقوا و پرهیز از امور شبه ناک اشاره شده است. اطلاق عهد نیز در آیه شریفه، شامل تمامی وعده‌های انسان و هر عقد و معامله و معاشرت و امثال آن می‌شود. صبر هم عبارتست از ثبات بر شدائد، در مواقعی که مصائب و یا جنگی پیش می‌آید. دو خُلق وفای به عهد و صبر هرچند شامل تمامی اخلاق فاضله نمی‌شود و لکن اگر در کسی پیدا شد، بقیه آن خُلق‌ها نیز پیدا می‌شوند. ذکر این دو صفت از میان همه اوصاف مؤمنین، به منزله این است که مؤمنین وقتی حرفی می‌زنند، پای حرف خود ایستاده‌اند و از عمل به گفته خود شانه خالی نمی‌کنند.



این که برای معرفی ابرار از عبارت «أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا» استفاده شده؛ برای این است که صدق، وصفی است که تمامی فضائل علم و عمل را دربرمی‌گیرد. ممکن نیست کسی دارای صدق باشد و عفت و شجاعت و حکمت و عدالت، چهار ریشه اخلاق فاضله را نداشته باشد. بنابراین اگر اذعان به حق کرد و برحسب فرض، بنا گذاشت که جز راست نگوید، دیگر اظهار مخالفت نمی‌کند، تنها چیزی را می‌گوید، که بدان معتقد است و تنها عملی را می‌کند، که مطابق گفتارش است، در این هنگام است که ایمان خالص و اخلاق فاضله و عمل صالح، برایش فراهم می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱: ۲۶۳).

۵-۲. توصیه به پذیرش ولایت امام علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله، رابطه‌ای بسیار صمیمانه داشت. از کودکی، تحت سرپرستی و تربیت پیامبر صلی الله علیه و آله بود و ارتباط صمیمانه و با اخلاص یک پدر، هنگامی او را به سینه‌اش می‌فشارد «يَضُمُّنِي إِلَى صَدْرِهِ» یا غذا را جویده و در دهان علی می‌گذارد، رابطه را به‌خوبی به تصویر می‌کشد (R66). علی علیه السلام در نهایت قرابت، در خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله و در آغوش او بزرگ شده است؛ حال آن که دیگران برای ورود به خانه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله ملزم به گرفتن اذن برای ورود بودند (ر.ک: الاحزاب: ۵۳). علی، تنها کسی بود که هیچ نیازی به اذن ورود نداشت.

از دیگر حریم‌های شخصی پیامبر صلی الله علیه و آله که هیچ‌کس اذن ورود به آن را نداشت، زمانی بود که آن حضرت در غار حرا مشغول عبادت بود و تنها علی علیه السلام، ناظر رابطه‌ی عاشقانه‌ی او با خداوند بوده است (A۲۷۱). شاگردی که همواره مورد تعلیم بوده و لحظه‌ای از دستیابی به نور الهی، غافل نبوده و همواره در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله مانند فرزندی به سر برده است (A۲۵۸، A۲۵۹).

بر اساس برخی عبارات خطبه قاصعه، امام علی علیه السلام به دست راست پیامبر صلی الله علیه و آله توصیف شده؛ یعنی همواره مصدق پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و با او همراهی می‌کرده که نشان از مقام وزارت و جانشینی ایشان دارد (A۲۸۷). روابط صمیمانه و نزدیک حضرت علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و تحت تعلیم بودن ایشان، توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و برابری اهداف او با ایشان، انگیزه‌ای برای پذیرش بی‌چون‌وچرای سخنانش

هست؛ چون همان‌طور که اطاعت از فرمان پیامبر ﷺ واجب است، گوش دادن به فرامین وزیر و جانشین او که همان آموزه‌ها را تعلیم می‌دهد نیز واجب است (A۲۵۸).

وجود پیامبر ﷺ در رأس خانواده به‌عنوان مربی، می‌تواند آن‌ها را به خانواده‌ای ناب تبدیل کند که از یک‌سو، خدیجه کبری ؑ قرار دارد، که با وجود داشتن همه‌ی امکانات، در برابر مربی خود متواضع است و برای مادری فاطمه ؑ و همسری پیامبر ﷺ پرورش می‌یابد و از یک‌سو، امیرمومنان ؑ، جانشین بعد از اوست و شایستگی همسری فاطمه ؑ را می‌یابد. گویا همه در تلاش برای انسان‌سازی و شکل‌گیری مریانی برای همه‌ی زمان‌ها هستند؛ تا هرگز انسان بدون مربی نماند و در سایه‌ی تواضع در مقابل اهل بیت ؑ، به‌عنوان نمایندگان پیامبر ﷺ به بزرگی دست یابند.

علی ؑ، تربیت‌یافته‌ی پیامبر ﷺ است و برای دستیابی به مقام والای انسانی، همواره تلاش کرده است. آنچه در کلام پیامبر ﷺ در توصیف ایشان بیان می‌شود، صداقت ایشان است و این همان چیزی است، که منزلت علی ؑ را، در نظر پیامبر ﷺ ارزشمند کرده است. پیامبر ﷺ هرگز از او دروغی نشنیده و در کارهایش نقطه‌ضعفی را مشاهده ننموده است. جایگاهی که ایشان از نظر پیامبر ﷺ داشتند، به خاطر خویشاوندی بین آن‌ها نبود؛ بلکه درستی قول و فعل علی ؑ، ایشان را هم‌رنگ پیامبر ﷺ و دغدغه‌مند اهداف او کرده بود (A۲۶۱، P۲).

راستگویی علی ؑ صفتی بود، که نه تنها پیامبر ﷺ بلکه مردم نیز به آن اذعان داشتند؛ اما مجدد شاهد آن هستیم که آن حضرت هنگام سخن گفتن با مردم، برای اثبات راستگویی خود، سوگند یاد می‌کند که حرف او را بپذیرند، اما ایمان و اسلام ناقصشان، مانع پذیرش حق می‌گردد (A۲۷۳).

از توصیف‌های مهم دیگری که پیامبر ﷺ برای علی ؑ بیان می‌کند، مقام وزارت و جانشینی است و تنها تفاوت مقام خود با علی را، در مقام نبوت می‌داند و او را به‌منزله‌ی هارون در کنار موسی معرفی می‌کند (P۳). وزیری که چشم و گوش پیامبر ﷺ است و در مسیر خیر و سعادت قرار دارد (P۴). ایشان می‌فرمایند: «إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ وَ تَرَى مَا أَرَى إِلَّا أَنْكَ لَسْتَ بِنَبِيٍّ وَ لَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ وَ إِنَّكَ لَعَلَى خَيْرٍ» (R۷۲). مشاهده می‌گردد، در این عبارت ایشان از فعل‌های مضارع استفاده کرده



است تا داشتن استمرار این ویژگی‌ها را بیان کند و این مطلب با قرار داشتن حضرت علی علیه السلام تا آخرین روز در مسیر خیر و سعادت همخوانی دارد و آن‌جا که هنگام ضربت خوردن فرق مبارکشان فرمودند: «فُتِرَ وَرَبِّ الْكَعْبَةِ»، گواه بر قرار گرفتن او در مسیر خیر است (P۴).

همچنین ایشان از میان وقایعی که در طول تاریخ حیات پیامبر صلی الله علیه و آله رخ داده است، به ماجرای درخواست مشرکان قریش از پیامبر صلی الله علیه و آله برای به حرکت درآوردن درخت اشاره می‌نماید که همه با پیامبر صلی الله علیه و آله هم‌قبیله بودند و شخصیت او برای آن‌ها شناخته‌شده و قابل احترام بود؛ تا جایی که او را با نام و بدون لقب و ذکر نام پدر صدا می‌زدند. در نگاه آنان، نه تنها پیامبر صلی الله علیه و آله جایگاه خوبی داشته است، بلکه پدران و اجداد او نیز، از برگزیدگان جامعه بوده‌اند. آنان نبوت را امری موروثی می‌دانستند؛ در نتیجه ادعای پیامبری از سوی محمد امین صلی الله علیه و آله برای آنان قابل‌پذیرش نبود (A۲۷۶). درخواست معجزه هم، امری طبیعی برای اثبات و عدم اثبات نبوت است، که با توجه به پیامبران گذشته برای همگان ملموس بوده است (A۲۷۷).

پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به درخواست آن‌ها احترام می‌گذارد و درخت را به‌سوی خود فرامی‌خواند؛ اما بعد از دیدن معجزه، چون آن را از نظر عقل بشری دور می‌دانستند، ظرفیت پذیرش آن را نیافتند و به‌جای پذیرش آن، متکبرانه از روی ناسپاسی، درخواست معجزه‌های جدیدی از پیامبر صلی الله علیه و آله کردند و گویی کار او را سبک شمردند (A۲۸۳). پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل درخواست‌های مکرر مشرکان، برخورد صبورانه‌ای داشتند اما آن‌ها نهایتاً معجزات پیامبر صلی الله علیه و آله را، سحری ماهرانه دانستند (A۲۹۰).

برخلاف آن‌ها که خود را انسان نامیده بودند و سخن پیامبر صلی الله علیه و آله را نمی‌پذیرفتند، درخت با ولایت‌پذیری محض، از دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله اطاعت می‌نمود (A۲۸۴) و با هر اطاعتی، بیش‌ازپیش ضعف و حقارت مشرکان را روشن می‌ساخت. (A۲۹۰) در میان آن‌ها تنها، علی علیه السلام با دیدن اولین معجزه، به قدرت خدا اقرار کرد و رسالت و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله را تصدیق نمود (A۲۸۷) و با پیامبر صلی الله علیه و آله تجدید بیعت نمود؛ تا هم دیگران را به این امر تشویق نماید و حمایت خود را از پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام کند (A۲۸۸). درخت نیز علاوه بر نشان دادن ایمان خود به خدا و رسول صلی الله علیه و آله، به امامت و وزارت

حضرت علی علیه السلام گواهی داد: (A۲۸۲) «أَلْقَتْ بِغُضُنِهَا الْأَعْلَىٰ عَلَىٰ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِعَضِّ أَغْصَانِهَا عَلَىٰ مَنْكِبِي وَكُنْتُ عَنْ يَمِينِهِ» (R۷۶).

نمونه‌های ذکر شده گوشه‌ای از فضایل امام علی علیه السلام را بیان می‌کند و روشن می‌سازد که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله جز امام علی علیه السلام کسی شایستگی جانشینی او را نخواهد داشت و حضرت علی علیه السلام به‌عنوان شاگرد و آینه‌ی تمام‌عیار پیامبر صلی الله علیه و آله بعد از او شایسته‌ی فرمانروایی بر مردم است و دیگران موظف به اطاعت از او هستند تا در پرتو رهنمودهایش به تعالی دست یابند.

۶-۲. ویژگی‌های شخصیتی امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه

در خطبه قاصعه، حضرت علی علیه السلام تلاش می‌کند تا با تقسیم‌بندی ادوار زندگی خود، به دوران کودکی، نوجوانی، جوانی و زمان ایراد خطبه، نمای کلی از شخصیت و ویژگی‌های خویش را بیان نمایند. همچنان که پیش‌ازین نیز اشاره گردید؛ امام علی علیه السلام از ابتدای کودکی، زندگی خود را در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و تحت تربیت او سپری کرده است. از کلام و رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله الگوبرداری نموده است و این اثرپذیری تا بدان‌جا چشمگیر بود، که اشتیاق خود را در برابر آموزش‌های پیامبر صلی الله علیه و آله مانند بچه‌شتری می‌داند که همواره به دنبال مادرش است و در هر لحظه با مشاهده‌ی نکات علمی و اخلاقی ملزم به تبعیت بوده است؛ به نحوی که این رفتار در او نهادینه گردید (R۶۹) و لحظه‌ای از دستیابی به انوار الهی، غافل نبوده است (A۲۷۳). آن حضرت به زیبایی با عبارت «أَرَىٰ نُورَ الْوَحْيِ وَ الرَّسَالَةَ وَ أَشْمُ رِيحَ النَّبُوءَةِ» این مطلب را به تصویر کشیده است (R۷۰).

آن حضرت علیه السلام تنها مشاهده‌گر اتفاق‌های پیرامون پیامبر صلی الله علیه و آله، هنگام دریافت وحی است و با گوش خود، صدای فرشته وحی را شنیده و با استشمام بوی جبرئیل، حضور فیزیکی او را به‌خوبی حس کرده است. (P۲) همچنین صدای ناله‌ی شیطان را شنیده است. در عبارت «مَا هَذِهِ الرَّتَّةُ» از ضمیر «هذه» استفاده شده است که نشان می‌دهد شیطان در همان نزدیکی بوده و صدایش شنیده شده است (A۲۷۴). امام علی علیه السلام متوجه رابطه‌ی میان پیامبر صلی الله علیه و آله با خدا بوده و نور آن را دریافت کرده و با معرفت به وحی و نبوت به‌یقین رسید (A۲۷۳).



دوران کودکی و نوجوانی امام علی علیه السلام سرشار از انرژی و تجربه‌های مختلفی بود که از حضور در کنار پیامبر ﷺ آن را کسب کرد و کودکی او نشانه‌ی ضعف و بی‌تجربگی او نبود. ایشان نه تنها از نظر عقلانی قوی بود، از نظر جسمانی و نیروی دفاعی در کودکی زبانزد بود و در تراز بزرگان عرب قرار داشت؛ چنان‌چه ایشان می‌فرماید: «أَنَا وَضَعْتُ فِي الصَّبَرِ بِكَلَاكِلِ الْأَعْرَبِ، وَ كَسَرْتُ نَوَاجِمَ قُرُونِ رِبِيعَةَ وَ مُضَرَ» که نشان از نهایت پختگی و تعقل ایشان در کودکی است (A۲۵۶، A۲۵۸).

همچنین در دوران جوانی، زمانی که هیچ‌کس اسلام نیاورده بود، اسلام آورد و در موقعیت‌های مختلف به آن اقرار می‌نمود (R۷۸) و همواره در کنار پیامبر ﷺ و مصدق او بود. حضرت در معرفی خود به‌عنوان اولین اسلام‌آوردگان، به دور از هرگونه تکبر و با نهایت احترام به جایگاه والای حضرت خدیجه علیها السلام، خود را بعد از ایشان معرفی می‌نماید (R۷۰، A۲۷۲).

او در تمام مراحل، کنار پیامبر ﷺ بوده و همواره رسول خدا را، تصدیق کرده است و مشرکان نیز به دلیل همین حمایت، او را مورد استهزاء قرار می‌دادند. این امر نشان می‌دهد ایشان همه‌ی مواردی که مردم را به آن توصیه نموده و یا از آن برحذر داشتند، یک به یک برای آن ویژگی‌ها موقعیت‌های مختلف را ذکر می‌نماید، اگر ایشان از تعصب برحذر داشته و همگان را به تعصب پسندیده راهنمایی می‌کند؛ خود به‌عنوان عامل به آن، در همه‌ی موارد مدافع حق و رسول خدا ﷺ است و از تعصب مذموم به دور است؛ تا جایی که در تبیین شخصیت پیامبر ﷺ نیز کمال توجه را دارد و از هرگونه غلو نمودن، به دور بوده؛ همچنان که با دیدن معجزه‌ی درخت، ابتدا اقرار به قدرت الهی نمود و سپس رسالت پیامبر ﷺ را تصدیق کرد. او به‌عنوان فرد صاحب خرد و بصیرت، بر اساس نیروی فکر و اندیشه و به دور از هرگونه جهل، با وجود اکثریت افراد مشرک در اطراف پیامبر ﷺ، در نهایت تواضع و با توجه به رضایت الهی از خواسته‌ها و عقاید دیگران دوری جست و با توجه و تعصب (پسندیده) بر عهد و پیمان با پیامبر ﷺ، او را تصدیق نمود. (A۲۸۷)

از دیگر ویژگی‌های بارز امام علی علیه السلام، راستگویی او است، خصلتی که او را مورد اعتماد برای مردم نموده بود و در پرتو همین صداقت، به یقین و آرامش و نفس مطمئن دست‌یافته بود؛ زیرا که ترس و



نگرانی از عوارض دروغ‌گویی است. ایشان با اتکا به خواست الهی و به دور از هر تکبر با کمال صداقت همواره جانب حق را می‌گرفت و در این مسیر از هیچ چیزی واهمه نداشت (A۲۹۲)

پیامبر ﷺ با درک مقام علی علیه السلام، و با اشراف کامل به قول و فعل امام علی علیه السلام، او را به مقام وزارت خود برگزید و تنها تفاوت خود با علی علیه السلام را، در مقام نبوت می‌دانست؛ زیرا که نبوت با پیامبر ﷺ خاتمه می‌یافت. امام علی علیه السلام نیز، خود را در برابر همگان مسئول می‌دانست و برای حفظ مردم از هرگزند، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کرد. (R۴۹)

امام علیه السلام در نهایت تواضع، از قدرت خود، برای نابودی دشمنان اسلام استفاده نمود و قتال با ستمگران (قاسطین و مارقین و ناکثین) را امری الهی دانست، که به‌منظور از بین بردن فساد، صورت گرفت و می‌فرماید: «قتال با آن‌ها بدون اذن الهی و بدون اراده‌ی الهی، تحقق نیافته؛ چنان‌که مرگ رده‌ه سرکرده خوارج بر اساس بلایی طبیعی و از سوی خود خداوند صورت گرفته است» (A۲۵۵) که نشان می‌دهد؛ او دست به کاری نمی‌زند، مگر آنچه مطابق خواست الهی و به فرمان او باشد (A۲۵۱).

اگر ایشان در قسمت انتهای خطبه، شخصاً به معرفی خویش می‌پردازد؛ بدین دلیل است که ماحصل پرهیز از تکبر و رسیدن به مقام بندگی خدا و نتایج آن را، با معرفی یک بروشور زنده از یک الگوی واقعی به ترسیم کشیده است (R۷۸). همان‌گونه که برای موارد مختلف خیر و شر مصادیقی معرفی نموده است، هم‌اکنون برحسب وظیفه و به خواست الهی و عمل به فریضه امر به معروف و نهی از منکر و بر اساس تعصب بر حفظ حقوق مردم، به بیان ویژگی‌های خود می‌پردازد و می‌فرماید: «إِنِّي لَمِنْ قَوْمٍ لَا تَأْخُذُهُمْ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ»؛ من از قومی هستم که سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای آنان را در راه خدا از کار باز نمی‌دارد. این ویژگی امام نتیجه‌ی صداقت و ایمان خالص او است؛ که از هیچ چیزی نمی‌هراسد و ملامت هیچ ملامت‌گری او را نمی‌ترساند. (A۲۹۲)

«سَيَمَاهُمْ سَيِّمًا الصِّدِّيقِينَ»؛ من از قومی هستم که چهره‌ی آنان چهره‌ی با عظمت‌ترین راستگویان است. در این عبارت روشن است که حضرت علی علیه السلام در نهایت بزرگی مقام خویش، خود را تافته‌ی جدا بافته نمی‌داند؛ بلکه خود را از گروه صدیقین، ابرار و... می‌داند؛ که هم نشانه‌ی فروتنی ایشان است و هم نیروی محرکی برای دستیابی و نزدیکی به ایشان است و امکان‌پذیر بودن نزدیکی به آن مقام را بیان می‌کند. (A۲۹۳)



«كَلَامُهُمْ كَلَامُ الْأَبْرَارِ»؛ من از قومی هستم که سخن آنان سخن نیکوکاران است. در این عبارت به وضوح روشن است که ایشان به عنوان مصداق بارز نیکوکاری معرفی گردیده و بر اساس عبارت «الطَّاعَةِ لِلْبِرِّ» (R۴۹) اطاعت از او، شاه کلید سعادت است.

«عَمَّارُ اللَّيْلِ وَ مَنَازِلُ النَّهَارِ»؛ من از قومی هستم که شب بیدار، و هدایت‌گران روز هستند. این عبارت به معنای این است که آنان آبادکنندگان شب و برج دیده‌بان روز هستند. آباد کننده شب، کنایه از این است؛ که شب‌ها را پیوسته با عبادت به سر می‌برند. ایشان با بیان این عبارات، در واقع خود را عامل به راهکارهای عملی مبارزه با شیطان از جمله نماز و روزه و... می‌داند (R۴۴، R۴۵)؛ که در تمام لحظات شبانه‌روز به آن توجه نموده و به آن اهتمام می‌ورزد.

«مُتَمَسِّكُونَ بِحَبْلِ الْقُرْآنِ»؛ من از قومی هستم که تسمک‌کنندگان به قرآن هستند. این عبارت، تشبیه بلیغ است. قرآن در هدایت و نجات انسان‌ها به سان ریسمانی است؛ که انسان به وسیله‌ی آن می‌تواند خود را از قعر چاه ظلمت بیرون کشد. در این عبارت حضرت با بیان روش خود در پیشبرد این مسیر، تسمک به قرآن را در رأس کار خود قرار داده است و مابقی گام‌ها را به دنبال آن طی می‌نماید. چنان که تسمک به قرآن را در اولویت موارد دیگر مانند احیای سنت الهی و... قرار داده است؛ که نشان می‌دهد، الگوی اولیه او در همه‌ی کارها، حتی احیای سنت پیامبر صلی الله علیه و آله تسمک به قرآن است.

«يُحْيُونَ سُنَنَ اللَّهِ وَ سُنَنَ رَسُولِهِ»؛ من از قومی هستم؛ که سنت‌های خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله را احیاء می‌کنند. حضرت با بیان این ویژگی همگان را به توجه ویژه نسبت به سنت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله فرا می‌خواند. چنان که موجود زنده همواره باید مورد توجه قرار گیرد؛ تا از هرگونه بیماری و نابسامانی دور بماند؛ سنت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله نیز، نیازمند دقت ویژه‌ای است؛ تا از نفوذ آلودگی‌ها و خرافات و جهل و تکبر دور باشد؛ زیرا در صورت سستی در این امر، بیمار گردیده و قدرت خود را از دست خواهد داد و کار به جایی خواهد رسید؛ که سنت‌های جاهلیت، با لباس تظاهر قدرت یافته و در افکار نفوذ خواهد کرد و موجب هلاکت می‌گردد (ابن بابویه، ۱۳۸۶ق، ص ۶۱).

«لَا يَسْتَكْبِرُونَ وَ لَا يَغْلُونَ»؛ من از قومی هستم که نه تکبر می‌ورزند و نه از بلند گرایانند. امام علیه السلام بعد از بیان آثار مخرب کبر و خودبرتربینی و نتایج و عواقب آن به معرفی خود به عنوان، مصداقی در تقابل با کبر می‌پردازد.



«لَا يَغْلُونَ وَلَا يُفْسِدُونَ»؛ من از قومی هستم، که مردم را به زنجیر نمی‌کشند و نه فساد در روی زمین به راه می‌اندازند. این عبارات نیز برخاسته از نتایج زبان‌بار اطاعت از متکبران و گردنکشان است؛ که حضرت به عبرت‌آموزی از زندگی آن‌ها توصیه نمود و حال با معرفی خود به‌عنوان کسی که از تکبر به دور است؛ همگان را به اطاعت از خود دعوت می‌نماید؛ تا از هر گزند دوری یابند و مصون باشند.

«قُلُوبُهُمْ فِي الْجَنَّةِ وَأَجْسَادُهُمْ فِي الْعَمَلِ»؛ من از قومی هستم که دل‌های آنان در بهشت است و بدن‌های آنان در کار و کوشش (R۸۰). امام در کلام پایانی با این‌گونه معرفی به مقام یقین و رضای الهی اشاره می‌نماید؛ زیرا در صورت رسیدن به این مقام است که بر اساس آیات قرآن، فرد در بهشت وارد می‌شود (ر.ک: الفجر: ۳۰). در این صورت فرد هرچه انجام می‌دهد برای رسیدن به کمال و رضای خداوند است و هیچ‌چیز مانع تلاش او نمی‌گردد و همواره با تمام توان در این راه کوشش می‌نماید.

۳. نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده است، رهبری و سرپرستی جامعه اسلامی که از آن با عنوان «ولایت» تعبیر شده، یکی از مهم‌ترین ارکان و اصول اساسی دین اسلام بوده و پذیرش ولایت اولیاء الهی ضروری‌ترین مقدمه پیمودن مسیر سعادت و رسیدن به کمال انسانی است. به دلیل اهمیت بسیار زیاد این موضوع، اهل بیت علیهم‌السلام به‌عنوان پیشوایان هدایت و رهبران حقیقی جامعه اسلامی که وظیفه تبیین دین و تکمیل رسالت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را برعهده داشته، در کلمات نورانی و گهربار خود تلاش کرده‌اند تا به این موضوع مهم پرداخته و ویژگی‌های اصلی رهبران حقیقی را معرفی کنند.

بدیهی است که یکی از راه‌های توجه دادن مخاطبان به اهمیت یک موضوع، تبیین ویژگی‌ها آن موضوع و ترسیم حدود و مرزهای آن از طریق معرفی مصادیق متعدد می‌باشد. به همین دلیل در کلام نورانی اهل بیت علیهم‌السلام شاهد آن هستیم که در موارد مختلف تلاش کرده‌اند تا ویژگی‌های رهبران حقیقی جامعه اسلامی و آن کسانی که شایسته اطاعت و پذیرش ولایت هستند را تبیین نموده و مصادیق متعدد آن را معرفی نمایند.



از جمله متونی که به خوبی توانسته چهره حقیقی اولیاء الهی را ترسیم نموده و ویژگی‌های آنان را بیان کند، خطبه قاصعه امام علی علیه السلام می‌باشد که طولانی‌ترین خطبه منقول از امام علی علیه السلام بوده و به موضوعات متعددی می‌پردازد، ولیکن تحلیل عبارات و مضامین این خطبه با استفاده از روش تحقیق میان‌رشته‌ای و متن محور «تحلیل محتوا» نشان داد که موضوع اصلی این خطبه که در لایه‌های پنهان آن نهفته است، توصیه به پذیرش ولایت اولیاء الهی و به‌ویژه دعوت به پذیرش ولایت امام علی علیه السلام است.

۱. آن حضرت علیه السلام تلاش کرده‌اند تا در چند مرحله، موضوع ولایت و اهمیت آن را بیان کنند:

الف) توصیه به پذیرش ولایت پیامبران الهی

ب) توصیه به پذیرش ولایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ج) توصیه به پذیرش ولایت اولیاء الهی و ابرار

د) توصیه به پذیرش ولایت خود.

۲. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که آن حضرت علیه السلام در تمامی مراحل فوق تلاش داشته‌اند تا با

استفاده از دو راهکار این مطالب را تبیین کنند:

معرفی ویژگی‌های هر گروه که باعث شده است شایسته اطاعت و پذیرش ولایت شوند.

تبیین آثار و نتایج پذیرش ولایت هر گروه و بیان نعماتی که خداوند متعال به واسطه پذیرش ولایت،

شامل حال مؤمنان می‌کند.

۳. در بخش معرفی ویژگی‌های هر گروه از پیامبران و اولیاء الهی نیز بر مهم‌ترین و اصلی‌ترین

ویژگی‌ها تأکید شده است که عبارتند از:

تواضع و فروتنی

ساده زیستی و قناعت

برخورداری از عزم و اراده قوی

برخورداری از معجزات الهی

برخورداری از تربیت الهی

برخورداری از مکارم اخلاقی



برخورداری از اعتقادات راستین مانند: ایمان به توحید، معاد، نبوت، ملائکه و قرآن کریم
برخورداری از مکارم اخلاق مانند: وفای به عهد، صبر در برابر مشکلات و گرفتاری‌ها، راستگویی و
صداقت، رعایت تقوا و پرهیز از امور شبه ناک.

پذیرش احکام شرعی و انجام عبادات واجب

تأیید پیامبران و اولیاء الهی پیشین

پرهیز از کبر و غرور

۴. در بخش تبیین آثار و نتایج پذیرش ولایت نیز به موضوعات ذیل در خطبه قاصعه پرداخته شده
است:

بهره‌مندی از رحمت الهی

ایجاد وحدت و همدلی در جامعه اسلامی

نزول قرآن کریم

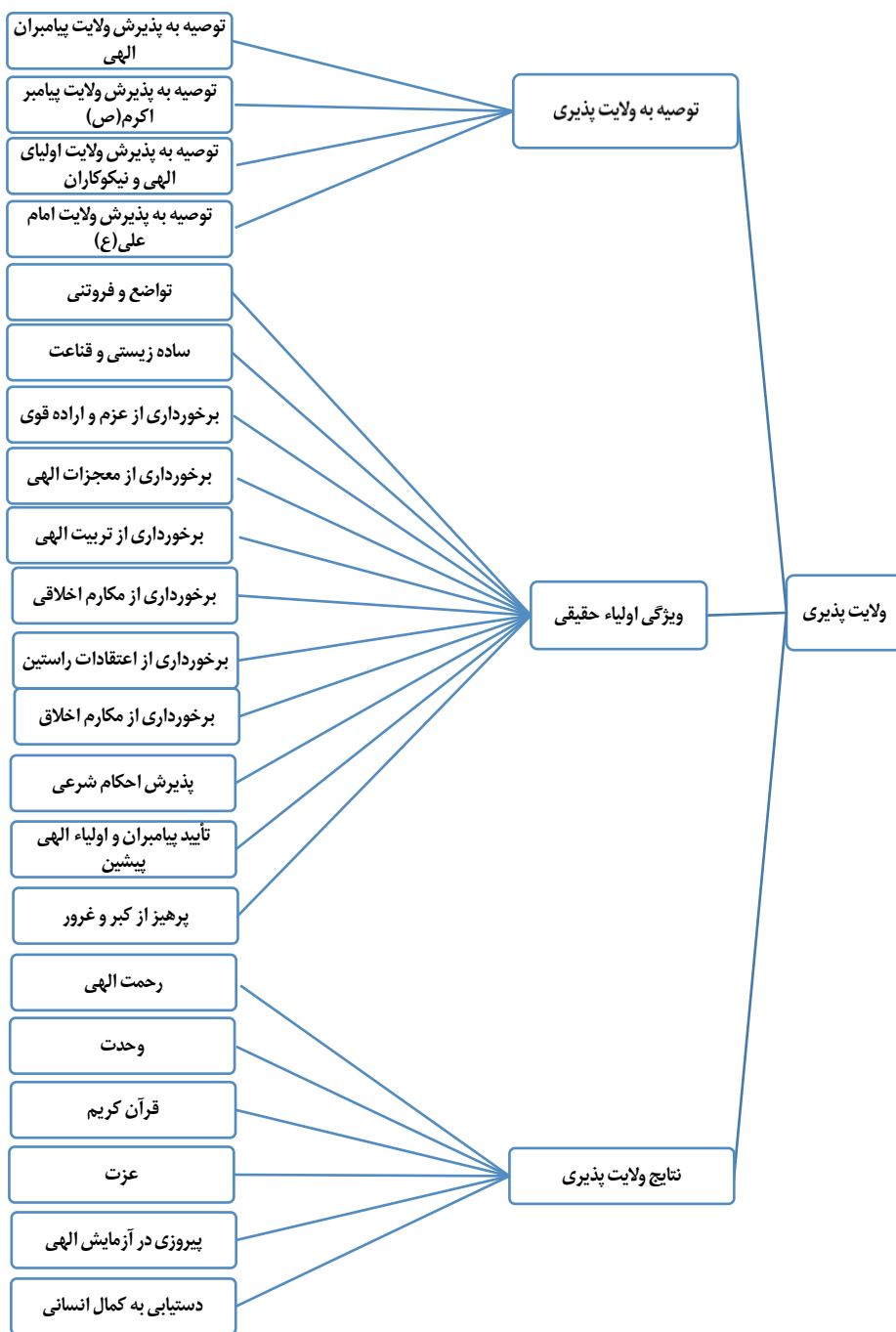
عزت و اقتدار جامعه اسلامی

پیروزی در آزمایش‌های الهی

دستیابی به کمال انسانی

درنهایت با توجه به یافته‌های تحقیق از رهاورد تحلیل محتوای خطبه قاصعه و به‌ویژه تحلیل کیفی
مقوله «ولایت» در این خطبه می‌توان الگوی جامعی از «ولایت‌پذیری» را بر اساس این خطبه از منظر

امام علی علیه السلام ترسیم نمود که ساختار هندسی آن بدین شرح است:



نمودار الگوی جامع ولایت‌پذیری از منظر امام علی علیه السلام در خطبه قاصعه



منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، عزالدین، ۱۳۸۵ق، شرح نهج البلاغه، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
 ۲. ابن بابویه، محمدبن علی، ۱۳۸۶ق، علل الشرایع، نجف: المکتبه الحیدریه.
 ۳. اولادقباد. بهاره، ۱۳۹۶ش، تحلیل محتوای نامه‌ی امام علی علیه السلام به مالک اشتر، تهران: دانشگاه الزهراء علیها السلام.
 ۴. باردن. لورنس، ۱۳۷۵ش، تحلیل محتوا، ترجمه ملیحه آشتیانی و محمد یمنی دوزی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
 ۵. جعفری، محمدتقی، ۱۳۷۶ش، نهج البلاغه، تهران: فرهنگ اسلامی.
 ۶. خوبی، میرزا حبیب‌الله، ۱۳۶۴ش، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تهران: مکتبه الاسلامیه.
 ۷. دین پرور، سیدمحسن، ۱۳۸۲ش، نهج البلاغه، تهران: بنیاد نهج البلاغه.
 ۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
 ۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو.
 ۱۰. عادل مهربان. مرضیه، ۱۳۹۴ش، مروری بر تحلیل محتوای کیفی و کاربرد آن در پژوهش، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
 ۱۱. عزتی، مرتضی (۱۳۷۶ش)، روش تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
 ۱۲. کرپیندورف. کلوس (۱۳۸۷ش). مبانی روش‌شناسی تحلیل محتوا. ترجمه هوشنگ نائینی. تهران: نشرنی.
 ۱۳. کلینی. محمدبن یعقوب (۱۳۸۵ش). اصول کافی. تهران: اسوه.
 ۱۴. هولستی. آل. آر (۱۳۹۱ش). تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- مقالات
۱۵. عترت دوست. محمد، ۱۳۹۷ش، «کارکردهای تربیتی خانواده مطلوب بر مبنای تحلیل محتوای ادعیه رضوی». علوم تربیتی از دیدگاه اسلام. سال ۶. ش ۱۰.

۱۶. عترت دوست. محمد (۱۳۹۸ ش). «روش‌شناسی فهم حدیث در فرایند سه‌گانه تحلیل متن. تحلیل محتوا و تحلیل گفتمان». حدیث پژوهی. سال ۱۱. شماره ۲۱. صص ۲۹۱-۳۲۰.
۱۷. کاشفی، صدیقه (۱۳۹۷ ش)، تحلیل محتوای خطبه قاصعه امام علی علیه السلام (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشگاه الزهراء علیها السلام.